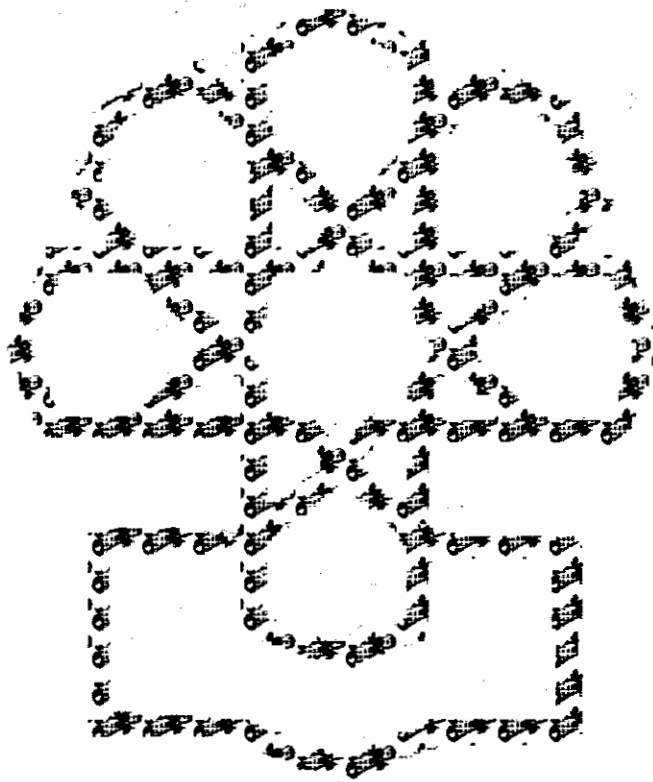


۱۱۱۲
۳-۷-۴



چند نکته پیرامون کشورهای جنوب شرقی آسیا



معاونت پژوهشی
اسفند ۱۳۷۵

کار: دفتر سیاست خارجی، امور امنیتی و دفاعی

این مطالعه به تقاضای جناب آقای عیسی مقدمی زاد نماینده
محترم مردم شادگان در مجلس شورای اسلامی تهیه شده است.

کد گزارش: ۲۴۰۲۰۹۹

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی فارابی
شماره: ۵۱۸۴
تاریخ: ۷۵، ۱۳، ۱۴

۱- مسلمانان مالزی و مذهب آنها

۵۵ درصد جمعیت مالزی «مسلمان» هستند و عمدتاً اهل «سنت» و پیرو فقه «شافعی» هستند، و تعداد بسیار اندکی «شیعه مذهب» نیز در میان آنان دیده می‌شود. به این دلیل که «تشیع» در مالزی به عنوان یک مذهب رسمی شناخته نشده است، «شیعیان» آن کشور در «اقلیت» به سر می‌برند.

ایالت «سلانگور» تنها ایالتی است که مذهب «جعفری» را به رسمیت می‌شناسد، اما در منطقه فدرال «کوالالمپور» - که در میان ایالت «سلانگور» محاصره شده است - مذهب «جعفری» رسمیت ندارد. از آنجایی که مذهب «شافعی» نزدیک‌ترین مذهب اهل «سنت» به «تشیع» است، لذا مسلمانان آن کشور برای اهل بیت پیامبر (ص) احترام خاصی قائلند. دعا، عرفان و زیارت جایگاه قابل توجهی در انجام امور عبادی آنها دارد.

۲- خصوصیت و ویژگی اجتماعی مسلمانان مالزی

«اسلام» همیشه به عنوان عنصر کلیدی در هویت فرهنگی مالزی وجود داشته است و پایدارترین و غیرقابل نفوذترین خصیصه قومی را به وجود آورده است. از آنجایی که «اسلام» توسط هر قومی به گونه‌ای خاص آن قوم دریافت و ادراک شده است، بنابراین در این کشور از یکپارچگی ملی برخوردار نیست. به لحاظ تاریخی نیز اسلام بیش از هر فرهنگ دیگری مانع همگرایی گروه‌های غیرمالایو در جامعه مالزی بوده است. اسلام با سنت‌ها و اعتقادات سنتی همچون مفاهیم سیاسی هندو گره خورده است. این مفاهیم که مربوط به جامعه فتووالی بوده‌اند شدیداً طبقه‌بندی شده میان حاکم و تابع است که براساس تفاوت شدید رده‌های اجتماعی انجام گرفته است. نهایتاً می‌توان اظهار داشت تعالیم اسلامی آمیخته با فرهنگ بومی شکل خاصی به این کشور داده است. نماز «جماعت» در مساجد برگزار می‌شود. خطبه نماز جمعه به نام «پادشاه» خوانده می‌شود و البته متن خطبه‌های ائمه جمعه از سوی دولت تهیه و تنظیم می‌شود. مراسم نماز «عید فطر» و جشن میلاد «پیامبر» نیز هر سال با تشریفات خاصی برگزار می‌شود. غالب زنان مسلمان مالزی حجاب را در حد ضرورت شرعی مراعات می‌کند و به طور دقیق به اجرای احکام اسلامی پایبند می‌باشند. روابط میان ادیان نیز وضعیت نسبتاً متعارضی دارد، هر چند که احتمال درگیری‌های ناشی از اختلافات مذهبی مستفی نمی‌باشد. لازم به توضیح است که تشکیلات مذهبی در مالزی عمدتاً دولتی است و دولت از طریق نهادهای رسمی به دنبال هماهنگ کردن فعالیت‌های مذهبی با سیاست‌های کلی خود می‌باشد.

۳- حزب پاس

این حزب به رهبری «برهان الدین حلمی» در جریان کنفرانس سازمان‌های بنیادگرای «مالی» که در ۱۴ مارس ۱۹۴۸ میلادی در انستیتو اسلامی مطالعات عالی «پیزاک» برگزار شد، تأسیس گردید. سپس در سال ۱۹۵۲

میلادی با عنوان حزب «المسلمین» ظاهر شد و از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۸ میلادی کنترل «ایالت کلانتان» را در دست داشت. حزب «پاس» در سال ۱۹۷۳ میلادی به ائتلاف جبهه ملی پیوست و چهار سال بعد از آن جدا شد و در سال ۱۹۹۰ میلادی در انتخابات پیروز شد.

هدف حزب «پاس» تأسیس دولت اسلامی در «مالایا» است و از لحاظ سیاسی مخالف دولت است. این حزب شاخه‌هایی در نقاط دیگر مالزی ایجاد کرده، اما فعالیت اصلی آن در «جاهور» است. حزب «پاس» دارای بیشترین نفوذ در بین مسلمانان مالایو، پس از حزب «آمنو» به ویژه در شمال مالزی بوده و در حال حاضر در ایالت «کلانتان» حکومت محلی تأسیس کرده و اجرای قوانین اسلامی را به نحو قابل توجهی به عهده دارد.

به لحاظ سیاسی، حزب «پاس» را می‌توان کلید روابط ایران و مالزی تلقی کرد. نحوه برخورد «جمهوری اسلامی ایران» با حزب «پاس» در تعیین سطح و عمق روابط سیاسی با کشور «مالزی» نقش تعیین کننده‌ای دارد.

۴- دیدگاه‌های اسلامی دکتر «ماهاتیر محمد»

«ماهاتیر محمد» در مسائل جهان اسلام فعالانه عمل کرده است. توده مردم «ماهاتیر محمد» را مسلمانی روشنفکر، کاردان و مدیر می‌دانند. وی مدعی است اسلام دین اجتماعی است و باید آن را تا درون سازمان سیاسی و اجتماعی کشور فروبرد. به طور مثال از دیدگاه‌های وی می‌توان شرکت نظامیان مالزی در نیروهای «ناظر بر آتش بس سازمان ملل» «در مرز» «ایران و عراق» و فعالیت در مسئله «فلسطین» و کمک به آوارگان «فلسطینی» و «افغانی» را نام برد، و آخرین اقدامات هم شرکت فعالانه در حل قضیه «بوسنی هرزگوین» و همراهی با جهان اسلام در حل این مسئله بوده است. از دیگر دیدگاه‌های وی می‌توان به ممنوعیت کتاب «آیات شیطانی» و موضع‌گیری در مقابل «اسرائیل» اشاره کرد، بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود «مالزی» از جمله کشورهای جهان اسلام است که فعالانه در جهت پیشبرد و حل مشکلات جهان اسلام کار کرده است و این دیدگاه‌ها مرسوم اقدامات «ماهاتیر محمد» است، آزادی در انتخاب «دین» یکی دیگر از دیدگاه‌های وی است، گرچه در صحنه داخلی طبق قانون، دین رسمی «اسلام» می‌باشد.

۵- وضعیت جغرافیایی و استراتژیک مالزی و همسایگان آن

مالزی دارای ۳۲۹,۷۴۹ کیلومتر وسعت (شصتین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در جنوب شرقی قاره آسیا در کنار دریای چین جنوبی و در همسایگی اندونزی (در جنوب جزیره برنثو) و تایلند (در شمال ناحیه اصلی) واقع شده است. مالزی از دو قسمت مجزا تشکیل گردیده که یکی در شمال جزیره برنثو (کابینتان) و دیگری در انتهای شبه جزیره مالایا واقع شده است. مالزی کشوری کوهستانی است و رشته کوه‌های آن عمدتاً در نواحی صباح، ساراوک و یاهانگ قرار دارد.

۶- تفاوت‌های حزب «آمنو» و حزب «پاس»

حزب «پاس» به اجرای احکام اسلامی در ایالت «کلانتان» و «کل مالزی» تأکید دارد و مخالف حزب حاکم (آمنو) می‌باشد. عضویت در حزب «آمنو» به موجب اساسنامه آن برای تمام «مالایی‌ها» آزاد است، اما حزب «پاس» از عضویت مسلمانان - از هر نژادی - استقبال می‌کند. علی‌رغم این تفاوت، بدنه هر دو حزب به‌طور مطلق از «مالایی نژادها» تشکیل یافته است.

حزب «آمنو» در اجرای احکام و قوانین اسلامی بسیار محتاط عمل کرده، در حالی که حزب اسلامی

«پاس» در اجرای این قوانین به طور بسیار جدی تأکید می‌ورزد و نمونه بارز آن اجرای احکام شریعت در ایالت «کلانتان» مالزی است.

۷- نقش شاهان و سلاطین مالزی در تاریخ و وضع فعلی مالزی

اولین پادشاهی مهم هندو-بودایی در جنوب شرق آسیا به نام «فوجان» توسط «هندی‌ها» بین سال‌های ۲۰۰ الی ۶۰۰ بعد از میلاد تشکیل شد که «مالزی» را نیز در بر گرفت. سپس این پادشاهی تقسیم شد و در شمال مالزی یک حکومت سلطنتی مهم بودایی به نام «سری ویجایا» تحت نفوذ «هند» تشکیل شد که با تهاجم همسایگان از بین رفت. در ۱۴۰۲ میلادی در ایالت «مالاکا» حکومت سلطنتی تأسیس شد که در ترویج اسلام کوشید. امروزه پادشاه «مالزی»، رئیس کشور است و طبق قانون اساسی «نخست وزیر» را با تصویب «مجلس» منصوب می‌کند. حکومت پادشاهی مالزی «مشروطه انتخابی» است و پادشاه مالزی توسط شورای پادشاهان (متشکل از سلاطین ۱۹ ایالت مالزی) انتخاب می‌شود. عنوان رؤسای ایالات، «سلطان» است که از طرف پادشاه منصوب می‌شوند. «پادشاه» برای یک دوره ۵ ساله انتخاب می‌شود و هر سلطان در ایالت خود قدرتی محدود دارد. سلطان، رئیس تشریفاتی ایالت و رئیس مذهب اسلام در داخل ایالت و نگهبان سنت‌های «ملایو» است. قدرت سلطان و خانواده سلطنتی او از حق کنترل دولتی بر زمین سرچشمه می‌گیرد زیرا در هر ایالت بخش بزرگی از زمین تحت مالکیت یا کنترل «سلطان» است.

۸- نقش زنان مالزی و برخی تشکلهای اسلامی آنها

«زنان» در مالزی نقش‌های سازنده و تعیین کننده‌ای را در همه زمینه‌ها ایفا کرده‌اند. آنان در طول مبارزات ناسیونالیستی علیه استعمار همدوش «مردان»، مبارزه کرده و بسیاری از آنان مهم‌ترین حامی برای شوهران مبارز خویش بوده‌اند.

در بعد آموزشی، در مقطعی حدود ۵۰ درصد از معلمان را «زنان» تشکیل داده‌اند و بزرگ‌ترین حامی ایجاد و توسعه «کودکستان» در مالزی بوده‌اند. دخالت زنان در سازندگی و توسعه در گذشته و حال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و نقش فعالی در زمینه اجتماعی و اقتصادی ایفا نموده‌اند. به عنوان مثال قریب به ۸۰ درصد از «زنان» را افراد باسواد تشکیل می‌دهند.

به منظور احیا و حفظ حقوق زنان در مالزی سازمان «هوا» به معنای بخش یا اداره امور زنان تحت نظر وزارت «وحدت ملی و توسعه اجتماعی» به مدیریت خانم «نقیسه عمه» فعالیت می‌کند. همچنین حدود ۶۱ سازمان غیر دولتی - متشکل شده در شورای ملی زنان [NCWO] - در راستای فراهم نمودن زمینه‌های توسعه در امور «زنان» به فعالیت مشغولند. مهمترین سازمان و تشکلهای اسلامی در این راستا عبارت است از: انجمن اقدام زنان اسلامی.^۱

۹- دستاوردهای برنامه‌های توسعه اقتصادی در مالزی

با پایان دوره NEP، دوره جدید ۳۰ ساله از سال ۱۹۹۰م الی ۲۰۲۰م آغاز گردیده است. در این دوره دولت «مالزی» با سرلوحه قرار دادن «دیدگاه ۲۰۲۰» هدف اساسی سیاست‌های اقتصادی خود را رسانیدن کشور به رشدی هم‌تراز «کره جنوبی» و در مرحله بعد «ژاپن» اعلام و ارتقای کیفی «ملایوها» را نیز از نظر دور نداشته است.

مرحله اول دیدگاه ۲۰۲۰ موسوم به O.P.P یا Out line Perspective Plan دوره «ده‌ساله‌ای» است که نظری

1. P.E.R.T.I.W.I

2. New Economic Policy

آن علاوه بر حفظ نرخ رشد اقتصادی بالا سیاست‌های مربوط به تأمین منافع «ملایوها» نیز دنبال می‌شود. اهداف نهایی برنامه مذکور عبارت است از رسیدن به مرحله کاملاً توسعه یافته از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، معنوی و روانی برای سال ۲۰۲۰م. و استراتژی این برنامه عبارت است از صنعتی شدن شتاب‌دار و توسعه منابع انسانی.

۱۰- وضعیت شیعه و شیعیان در مالزی

مذهب «تشیع» در سالیان اخیر جزء مذاهب رسمی مالزی بوده و در سال ۱۹۸۵ میلادی تحت قانون «خانواده و مقررات ازدواج»، ایالات سلانگور به رسمی بودن آن تأکید کرده است. در قانون خانواده و مقررات ازدواج مذهب «زیدی» و «جعفری» به عنوان «مذهب» شناخته شده‌اند. همچنین در سال ۱۹۹۱ میلادی در کنفرانسی در ایالت «صباح» مالزی، علمای اسلامی، طی نشستی مجدد دو مذهب «جعفری» و «زیدی» را به عنوان مذاهب اسلامی مورد پذیرش قرار دادند.

در حال حاضر تعلیمات «شیعیان» در مناطق مختلفی از جمله کوالالمپور، جوهور بارو، پیننگ، کلانتان رواج دارد و نیز قریب ۵ هزار نفر از اعضای شناخته شده جامعه تشیع در زمره افرادی هستند که پس از پیروزی «انقلاب اسلامی ایران»، شیعه شده‌اند.

۱۱- تاریخچه و ورود و گسترش اسلام در مالزی

سابقه ورود «اسلام» به منطقه «جنوب شرقی آسیا» به قرن هفتم میلادی باز می‌گردد. اهمیت اقتصادی این منطقه باعث جلب تاجران «مسلمان ایرانی و عرب» شد که رفته رفته با افزایش تعداد مسلمانان، افراد بومی با اسلام آشنا شده و ضمن پذیرش آن به ترویج این مذهب پرداختند. در ۱۴۰۲ میلادی در ایالت «مالاکا» یک حکومت سلطنتی تشکیل شد و بنیانگذار این سلطنت بعدها به دین اسلام گروید و نام خود را «مگات اسکندر شاه» گذاشت و دین اسلام را در قلمرو خود ترویج کرد. جانشین «اسکندر شاه» به نام «مظفر شاه» با کمک مسلمانان پس از فرو نشاندن اغتشاشاتی که پیش آمده بود، توانست تمام شبه جزیره «مالایا» و قسمتی از «سوماترا» را تسخیر نموده و یک کشور کاملاً مهم از لحاظ تجاری و فرهنگی و کشاورزی در بین کشورهای هندوچین به وجود آورند. این دوره از تاریخ مالزی به عصر «طلایی مالایا» مشهور است. با سقوط حکومت سلطنتی «مالاکا»، سلطان «برونئی» وظیفه گسترش اسلام را بر عهده گرفت.

۱۲- روابط جمهوری اسلامی ایران و مالزی

در سال ۱۳۶۱ شمسی ایران در مالزی «سفارت» تأسیس کرد. مالزی از جمله کشورهایی بود که در تحریم علیه ایران شرکت نکرد. از سال ۱۳۵۹ شمسی تاکنون سفرهای متعدد دو جانبه‌ای از سوی مقامات دو کشور صورت گرفته است که به بسط و گسترش روابط مختلف اقتصادی، سیاسی دو جانبه انجامیده است. مالزی در طول جنگ عراق علیه ایران نیز موضع «بی‌طرفی» اتخاذ نمود.

در بخش اقتصادی توافق تجارت متقابل، همکاری‌های مشترک، کمیسیون‌های مشترک اقتصادی و موافقت‌نامه‌های اقتصادی و بازرگانی مطرح است.

در بخش فرهنگی موضوع همکاری‌های متقابل تحت بررسی است. و نهایتاً روابط دو جانبه تاکنون بسیار تفاهم‌آمیز و مثبت ارزیابی می‌شود.

۱۳- تأثیرات انقلاب اسلامی بر مردم، علما و روشنفکران مالزی

رشد جریان «شیعه» از جمله تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم «انقلاب اسلامی» بر مسلمانان مالزی است. هر

چند جریان شیعه در مالزی به قبل از انقلاب اسلامی باز می‌گردد، اما در سالیان اخیر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در «ایران»، مذهب «تشیع» گسترش قابل ملاحظه‌ای در کشورهای «آسیای جنوب شرقی» از جمله «مالزی» داشته است.

تأثیرات «انقلاب اسلامی ایران» بر مردم «مالزی» را می‌توان در افشار تحصیل کرده و دانشگاهی اعم از اساتید و دانشجویان یافت. به طوری که این تأثیر موجب شد تا افشار روشنفکر مالزی اعتقاد یابند که فرد نمی‌تواند فقط «مسلمان» باشد مگر آن که از لحاظ عبادی فراتر رود و در نظام کامل سیاسی و تحت مقررات حقوقی و اقتصادی اسلام زندگی کند. بدیهی است که تفکرات مذکور از جانب علما و روشنفکران مالزی دنبال می‌شود و موجب شده تا گروه‌هایی ایجاد شوند که هدف آنان تأسیس «حکومت اسلامی» در مالزی است.

۱۴- نوع شبهات مطرح علیه شیعه در مالزی

به دنبال اظهار نگرانی برخی مقامات عالی رتبه سیاسی - مذهبی مالزی پیرامون گسترش «تشیع» در «مالزی» همزمان با عید سعید فطر در اسفندماه سال گذشته، موجی از موضع‌گیری بی‌سابقه از سوی مقامات مالزی علیه شیعیان به دنبال آورده است. این موج که عمدتاً توسط مرکز «اسلامی مالزی» هدایت و رهبری می‌شود، به سرعت گسترش یافته و حتی به سطح افکار عمومی کشور نیز رسیده است. در این میان رسانه‌های جمعی مالزی با درج چند مقاله به طرح مسائلی از قبیل افراط‌گرایی شیعیان، تفرقه‌افکنی در بین امت اسلامی، ازدواج موقت و ... به ایجاد جو عوام‌فریبی و ارائه تصویری منفی از «شیعه» مبادرت ورزیده‌اند.

اندونزی

۱- ساختار سیاسی و مراکز قدرت در اندونزی

جمهوری «اندونزی» در سال ۱۹۴۹ میلادی از «هلند» مستقل شد و روز ملی آن برابر هجدهم اوت همان سال می‌باشد و در سال ۱۹۵۰ میلادی نیز به عضویت «سازمان ملل» درآمد. قانون اساسی آن کشور در سال ۱۹۴۵ تدوین شده است. براساس آخرین تقسیمات کشوری اندونزی از «۲۷ ایالات» تشکیل گردیده که به صورت «نسبتاً فدرال» و زیر نظر «حکومت مرکزی» و «شورای انتخابی محلی» اداره می‌شود.

۲- جایگاه قوه مقننه (مجلسین DDPR و MPR) و نحوه انتخاب نمایندگان

قوه مقننه اندونزی از دو مجلس تشکیل شده است. جمع نمایندگان این دو مجلس ۹۲۰ نفر است که به طور مساوی بین دو مجلس تقسیم شده است. مجلس نمایندگان (مجمع شورای مردم) ۴۶۰ عضو دارد که ۳۶۰ نفر آن به طور انتخابی و ۱۰۰ نفر دیگر از اعضای آن انتصابی می‌باشند.

۳- احزاب عمده در اندونزی

در حال حاضر تنها ۳ حزب سیاسی در اندونزی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- «حزب گلکار» که اتحادیه گروه‌های نماینده کشاورزان، جوانان، سربازان، تعاونی و بازرگان بوده و ریاست آن را در حال حاضر «سودهارمونو»^۱ بر عهده دارد.
- ۲- «حزب متحده توسعه» که در سال ۱۹۷۳ میلادی در اثر ادغام چهار حزب اسلامی تشکیل شد و رهبری

1. Sudharmono

فعلی آن را «جاکرلانی نارو» برعهده دارد.

۳- حزب دمکراتیک اندونزی که در سال ۱۹۷۳ میلادی در اثر ادغام پنج حزب سیاسی «ملی گرایان»، «مسیحیان»، کاتولیک، «حامیان استقلال» و «مردم» تشکیل یافت و رئیس فعلی آن «سوکوواتی» است. تعداد کل کرسی های رقابتی احزاب در پارلمان ۴۰۰ کرسی است که تقسیم کرسی ها در سال ۱۹۹۲ میلادی بدین شرح بوده است: حزب گلکار ۲۸۲ کرسی، حزب توسعه متحده ۶۲ کرسی و حزب دمکراتیک ۵۶ کرسی.

در حال حاضر حزب «گلکار» قدرت را در دست داشته و حتی در «روستاها» نیز نفوذ دارد و تشکلات سیاسی آنها را سازماندهی می کند. این حزب از سال ۱۹۶۴ میلادی به بعد به حمایت «ارتش» امیدوار بوده است تا وزنه تعادلی در مقابل حزب «کمونیست» باشد.

۴- تشکل های مخالف و نوع فعالیت آنها

دولت اندونزی طبق قانونی در سال ۱۹۶۷ میلادی برای ساده کردن سیستم کشور خط مشی های زیر را تعیین نمود:

۱- جهت به حداقل رساندن درگیری های عقیدتی میان سازمان های سیاسی، تمام این سازمان ها باید «پانچاسیلا» را به عنوان اصل سیاسی خود بپذیرند؛

۲- جهت ساده کردن نظم سیاسی به خصوص به منظور انتخاب یک «سازمان سیاسی» توسط «مردم» در انتخابات عمومی، دولت خط مشی کاهش تعدد سازمان ها و احزاب را از طریق ادغام با یکدیگر در پیش گرفته است؛

۳- به دلیل تأثیرات منفی فعالیت های سیاسی بر «روستاها» و «حفظ» حیات اجتماعی و اقتصادی روستائیان، «روستاها» باید از فعالیت های سیاسی به دور باشند.

با این شرایط، تشکل های «مخالف سازماندهی شده» وجود ندارد. حزب دمکراتیک «اندونزی» که دارای مواضع انتقادی نسبت به دولت می باشد - کمترین آراء را در انتخابات دوره های گذشته به دست آورده بود - توانست در ۱۹۹۲ میلادی آرای زیادی را به خود اختصاص داد.

اما در بررسی سایر عوامل مؤثر در «سیاست داخلی» می توان به برخی از ناآرامی در بعضی مناطق مانند «آچه»، «ایریان جایا» و «تیمور شرقی» و تهدید به «تجزیه طلبی» اشاره کرد، که دولت اندونزی توانست با استفاده از تقویت پیوندهای خود با کشورهای «غربی» اوضاع داخلی را آرام نگهدارد. منطقه «تیمور شرقی» به دلیل آنکه «پرتغال» مهم ترین حامی استقلال آن است، و منطقه «ایریان جایا» که باعث چالش هایی بین «اندونزی» و «گینه پاپوا» می باشد، عامل ناآرامی این مناطق شمرده می شود که موجب دخالت و خشونت پلیس در آنها شده است. لذا با این توصیف مهم ترین تهدید برای کشور اندونزی را می توان تهدید «تجزیه طلبی» ذکر کرد که در مناطق «آچه» (شمالی ترین ایالت جزیره «سوماترا» که مردم آن به داشتن تمایلات «قومی - اسلامی» شهرت دارند)، «ایریان جایا»، «تیمور شرقی» و شمال «سلبس» وجود دارد. از سایر مسائل تنش آمیز افزایش بیکاری، شورش های دانشجویی، تفاوت های فاحش بین طبقات شهری و غیر شهری می باشد.

۵- مذاهب در اندونزی، دیدگاه دولت در این ارتباط و ویژگی‌های عمده اسلام در آن کشور (گرایش صوفیه، تسامح و تساهل شافعی)

چگونگی نشر «اسلام» یکی از برجسته‌ترین و در عین حال مهم‌ترین مراحل تاریخ «اندونزی» است. منابع قدیمی حاکی است که در «اندونزی» علایق شرعی صرفاً مربوط به چهار مکتب اهل «سنت» نیست، بلکه بیشتر جنبه‌های «ماورای طبیعی» و «زهد عرفانی اسلام صوفیان» را بازگو می‌کند. گرایش به «تصوف» امروزه بیشتر در «اندونزی» به چشم می‌خورد و «صوفی‌گری» به طور مشخص بخشی از اشاعه اسلام در اندونزی است. از آنجایی که ۹۰ درصد جمعیت اندونزی «مسلمان» و ۹ درصد نیز «مسیحی» می‌باشند و یک درصد بقیه از پیروان مذاهب بودایی و هندو، بدیهی است که دیدگاه دولت «اندونزی» ایجاد آرامش مذهبی و تنش‌زدایی اختلافات مذهبی است و سیاست‌های دولت در این زمینه بیشتر مشخص بوده است.

۶- وضعیت شیعیان و حساسیت‌های منطقه‌ای نسبت به شیعیان اندونزی

بیشتر مسلمانان اندونزی «سنی» هستند و در هر منطقه «اسلام» به گونه‌ای خاص عمل می‌شود و دولت «اندونزی» نیز از «اصول‌گرایان اسلامی» به عنوان افرادی که بر ضد اتحاد ملی، ثبات سیاسی و توسعه ملی عمل می‌کنند، نام می‌برد و «شیعیان» نیز از این قاعده مستثنی نیستند، از آنجایی که درصد کمی از مردم اندونزی «شیعه» هستند. ظاهر آهمین درصد کم‌دارای محافل و انجمن‌هایی هستند که با یکدیگر ارتباط دارند.

۷- حضور عربستان و نفوذ وهابیت در اندونزی

به دلیل موضع ضد کمونیستی «عربستان» از یک طرف و نزدیکی این کشور با «غرب» روابط بین عربستان و اندونزی بسیار «خوب و نزدیک» بوده است. (البته این روابط بیشتر در بعد اقتصادی و فرهنگی بوده است). عربستان در ۱۹۷۶ میلادی موافقت نمود تا وامی به مبلغ «۷۰ میلیون دلار» جهت احداث تأسیسات «کودشیمیایی» در اختیار «اندونزی» قرار گیرد. علاوه بر کمک‌های مالی جهت توسعه اقتصادی کشور، همه ساله میلیون‌ها دلار جهت احداث «مساجد» و پیشبرد امور مدارس «اسلامی» به «اندونزی» کمک می‌شود و معمولاً نیز با تبلیغات گسترده‌ای همراه است. فعالیت‌های عربستان که به طور طبیعی با کمک‌های مالی گسترده نیز همراه است، موجب گسترش «وهابیت» در این سرزمین شده است و حتی به گسترش اندیشه «وهابیت» نیز منجر شده است. به دلیل کمک‌های مالی و تجاری گسترده عربستان، مقامات سیاسی «اندونزی» واکنشی نسبت به شیوع و ترویج «وهابیت» از خود نشان نمی‌دهند، به طوری که در «اندونزی» تعداد زیادی از مساجد در اختیار وهابیون حامی «عربستان» قرار دارد. تا سال ۱۳۶۶ شمسی در «جاکارتا» ۳۰ جلد کتاب عقیدتی به زبان اندونزیایی از سوی دارالعلم وابسته به «وهابیت» منتشر شده است.

۸- پانچاسیلا

پانچاسیلا^۱ اصول پنج‌گانه‌ای است که از سال ۱۹۸۵ میلادی، تمام سازمان‌های سیاسی و اجتماعی ملزم به پذیرش آن به عنوان برنامه کار شده‌اند، و آن عبارت‌اند از:

۱- اعتقاد به خدای واحد؛

۲- انسانیت (عادلان و متمدن)؛

۳- وحدت اندونزی؛

۴- دموکراسی (براساس عقل و اجماع)؛

۵- عدالت اجتماعی (برای همه مردم اندونزی).

دولت از این اصول جهت پایه گذاری سیستم قضایی و اعمال محدودیت های سنگین بر علیه مخالفان سیاسی و مذهبی استفاده کرده است.

۹- اقلیت چینی ها در اندونزی

بزرگ ترین گروه نژادی خارجی در اندونزی «چینی ها» می باشند و با وجود آن که تنها «۵ درصد» از کل جمعیت اندونزی را تشکیل می دهند اما بیش از ۷۵ درصد از سرمایه «بخش خصوصی» را در دست دارند. آغاز روابط «چینی ها» با ساکنان «جاوه غربی» به قرن «پنجم میلادی» باز می گردد و آن هنگامی بود که «هلندی های استعمارگر» «چینی ها» را برای استفاده از «نیروی کار ارزان» به اندونزی آوردند، اما آنان به تدریج در استعمار منطقه به «هلندی ها» کمک کردند. این سابقه ضمن ناخشنودی «اندونزی ها»، در سال های بعد موجب بروز تصفیه های داخلی شد. در شورش ۱۷۴۰ میلادی لزاران «چینی» گردن زده شدند و یا در سال ۱۹۶۵ میلادی، ۲۰۰ هزار نفر چینی کار و زندگی خود را از دست دادند. در حال حاضر نیز «چینی ها» اجازه ساخت شهرک های مسکونی را ندارند و مدارس ویژه ای نیز برای آنان منظور نشده است همچنین اقلیت مذکور اجازه انتشار «روزنامه» و یا تشکیل «حزب سیاسی» را ندارند، و از انتشار کتاب به زبان «چینی» ممنوع می باشند. در دهه های اخیر این وضعیت حتی موجب بروز تنش هایی در روابط بین «اندونزی» و «چین» شده است.

۱۰- تأثیرات انقلاب اسلامی بر اندونزی (حجاب و محاکم شرعی)

اصولاً دولت در جهت جلب نظر اکثریت مردم که «مسلمان» هستند توجه زیادی به «اسلام» از خود نشان داده است. بر اساس قانون اساسی ۱۹۴۵ میلادی هیچ تفاوتی بین زن و مرد در کشور «اندونزی» وجود ندارد. «حجاب» در اندونزی اجباری نیست و «زنان» در این کشور نسبت به بسیاری از کشورهای «اسلامی» از حقوق تقریباً متساوی با مردان برخوردارند. اصولاً به طور طبیعی «انقلاب اسلامی ایران» تأثیرات معنوی در مردم مسلمان این کشور گذارده است و بعضی احزاب وجود دارند که «اصولگرا» هستند و طرفدار برپایی «حکومت اسلامی» می باشند. یکی از مهمترین تأثیرات انقلاب اسلامی ایران گرایش جدید دولت به «بانکداری اسلامی» در این کشور می باشد.

۱۱- مجلس علماء، نهضت العلماء و محمدیه

۱- انجمن محمدیه: این انجمن در ۱۹۱۲ میلادی با هدف اصلاح وضعیت آموزشی - اجتماعی مسلمانان توسط «کیایی حاجی احمد دهلان» تأسیس گردید. این انجمن بعدها تحت تأثیر تفکر «وهابیت» قرار گرفت، گفته می شود که این انجمن در حال حاضر ۳۰ میلیون نفر عضو دارد و فعالیت زیادی را علیه «شیعیان» ترتیب داده است. (در حال حاضر رهبر فعلی آن «ازهر بشیر» است).

۲- نهضت العلماء: در ۱۹۲۶ میلادی با هدف رجوع به تعالیم اسلام راستین (به همین دلیل آن را سنتگرا می نامند) و به صورت تشکیلات آموزشی - اجتماعی و در مواجهه با انجمن «محمدیه» توسط «کیایی حاجی هاشم عشاری» تأسیس گردید. گفته می شود این سازمان نیز ۳۰ میلیون نفر عضو دارد. در حال حاضر «الیاس رو هیات» رهبری آن را بر عهده دارد و رئیس اجرایی آن نیز «عبدالرحمان وحید» می باشد.

۳- مجمع روشنفکران مسلمان: در ۱۹۹۰ میلادی تأسیس گردید و رهبری آن را «دکتر حبیبی» بر عهده دارد و عطف توجه این مجمع مسائل «سیاسی و اجتماعی جامعه» است.

۱۲- شبهات مطرح در اندونزی در مورد شیعه

موضوع «امامت»، «تقیّه»، «عصمت»، «معصومیت امام» و «مهدویت» به صورت اهدافی مناسب برای حمله به «شیعیان» درآمده است.

استاد «صادقون» از علمای اهل تسنن اندونزی، «شیعه» را انحرافی بزرگ از اسلام حقیقی می‌داند. وی سیستم‌های عقیدتی و شرعی و موضوعات دیگر را از جمله مسائلی می‌داند که با اسلام فاصله دارند. در مجموع می‌توان اذعان نمود که وجوه تمایز و اختلاف میان شیعه و سنی در واژه‌هایی همچون امامت، عصمت، تقیه و مهدویت است.

۱۳- روابط دوجانبه ایران و اندونزی

روابط ایران و اندونزی در سه زمینه «سیاسی»، «اقتصادی» و «فرهنگی» مطرح است:

۱- مناسبات سیاسی: روابط سیاسی دو کشور در دوران «جنگ تحمیلی» به دلیل اتخاذ سیاست «بی‌طرفی» از سوی «اندونزی» دارای رکود بود. در طول جنگ، «اندونزی» تلاش داشت ضمن داشتن باب مرادده با «ایران» به نحوی عمل کند که به روابط این کشور با کشورهای بزرگ لطمه‌ای وارد نیاید. پس از جنگ تمایل مقامات «اندونزی» به گسترش روابط با «ایران» بیشتر شد و رئیس‌جمهور «ایران» در ۱۰ شهریور ۱۳۷۱ برای شرکت در اجلاس سران «نهضت عدم تعهد» به اندونزی سفر کرد. سفر وزیر «امور خارجه کشورمان» در ۱۳۶۶ و ۱۳۷۱ به اندونزی و سفر وزیر خارجه «اندونزی» در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ و سفرهای متعدد قائم مقام و سایر مسئولان وزارت خارجه از جمله روابط است. همکاری دو کشور در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی همچون «سازمان ملل» در خصوص حمایت از مواضع «ضد اسرائیلی ایران»، «کمیسیون حقوق بشر» و دیگر سازمان‌ها، از دیگر محورهای همکاری سیاسی است، که به‌طور کلی ایران و اندونزی نسبت به درخواست حمایت از یکدیگر در سازمان‌های بین‌المللی تخصصی جواب مثبت داده و بعضاً از یکدیگر حمایت نیز به عمل آورده‌اند.

۲- روابط اقتصادی: اساس روابط اقتصادی در سفر وزیر بازرگانی «ایران» در سال ۱۳۶۵ به «اندونزی» پایه‌ریزی شد. طی این سفر دو کشور توافق کردند که نفت «ایران» با کالای «اندونزی» به صورت «تهاتری و متوازن» مبادله شود. در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ مجدداً تبادل کالا با نفت مورد توافق قرار گرفت. ایران در قبال نفت، کالاهایی نظیر چوب، کاغذ، خمیر کاغذ، چای و منسوجات وارد کرده است. با توجه به مشکلات حاصله دو جانبه و اصرار طرفین بر توازن این مبادلات، مجدداً جلساتی برگزار شد تا مشکلات عدم توازن در گذشته را به نحو مقتضی حل و فصل نمایند. لذا دو طرف به توافقاتی در جهت احتراز از شیوه مبادله تهاتری دست یافته و تجارت «آزاد و غیر تهاتری» مورد اقدام قرار گرفت و همکاری‌های دو کشور وارد بعد تازه‌ای شد.

۳- روابط فرهنگی: حاصل سفر وزیر وقت ارشاد اسلامی «ایران» در ۱۹۸۴ میلادی و پاسخ دیدار در ۱۳۷۰ میلادی توسط وزیر اطلاعات «اندونزی»، یادداشت تفاهم فرهنگی شد. در حال حاضر همکاری‌های دو کشور در مراحل اولیه است که از جمله می‌توان به زمینه‌های فعالیت فرهنگی در آن کشور شامل برگزاری هفته فیلم جمهوری اسلامی در اندونزی، شرکت در نمایشگاه‌های مختلف هنری در اندونزی اشاره داشت، بدیهی است با گسترش بیشتر روابط اقتصادی و سیاسی مبادلات فرهنگی دو کشور نیز گسترش یابد.

۱- نقش اسلام و نفوذ آن در برونئی

دین رسمی کشور برونئی «اسلام» است، و «سلطان»، رهبر اسلام در کشور محسوب می‌شود. در قانون اساسی، آزادی عبادات سایر مذاهب نیز پیش‌بینی شده است. از برونئی هر ساله بیش از ۱۰۰۰ نفر مسلمان برای زیارت «خانه خدا» به «مکه» مشرف می‌شوند. با توجه به این‌که دین رسمی کشور «اسلام» است و همچنین به علت پای‌بندی مردم به اصول اسلامی، احکام اسلام نیز در کشور حاکم است.

۲- نقش و جایگاه سلطان برونئی

«سلطان» رهبر اسلام در کشور بوده و وظیفه گسترش اسلام در کشور و تطبیق حکومت با تعالیم اسلام را دارد. براساس قراردادی که در سپتامبر ۱۹۵۹ میلادی بین دولت انگلیس و سلطان برونئی به امضاء رسید، آن کشور توسط «سلطان» و با همکاری «۵شورا» اداره می‌شود که عبارتند از شورای خصوصی سلطنتی، شورای اجرایی، وزیران شورای قانون‌گذاری، شورای مذهبی و شورای جانشینی.

۳- مذهب غالب در برونئی، گرایش آن و سابقه حضور اسلام در برونئی

حدود ۶۰ درصد مردم، «مسلمان» و «سنی مذهب» می‌باشند. در نیمه اول قرن ۱۵ میلادی، اسلام در برونئی کاملاً مورد پذیرش واقع شده و «مسلمانان» در صد بالایی از جمعیت را تشکیل می‌دادند. در قرن ۱۶ میلادی سلطان‌نشین مسلمان برونئی بسیاری از مناطق را تحت کنترل داشته و خراج می‌گرفت. در پایان قرن ۱۶ کنترل سلطان برونئی در مناطق خراج گزار شمال تضعیف شد.

۴- دیدگاه مردم، علما، و مقامات برونئیایی از اسلام

با توجه به اینکه سلطان وظیفه گسترش اسلام در کشور را دارد به طور طبیعی مردم، علما و مقامات نیز گرایش بسیار زیادی به اسلام داشته و جو عمومی حاکم بر کشور به طور کلی منبعت از اسلام و اجرای احکام و سنن اسلامی می‌باشد، مردم علاقمند به فراگیری احکام اسلامی و اجرای آن در زندگی می‌باشند.

۵- وضعیت جغرافیایی و استراتژیک کشور برونئی

«برونئی» با ۵/۷۶۵ کیلومتر مربع وسعت در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در جنوب شرقی آسیا، در کناره دریای چین جنوبی، در شمال جزیره برنئو واقع شده و در قسمت‌های شرق، غرب و جنوب با مالزی مرز مشترک دارد. به غیر از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی برونئی، وجود ذخایر بسیار عظیم نفت و جمعیت بالنسبه اندک، این کشور را به صورت یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان در آورده است. همچنین وجود نفت، به این کشور موقعیتی ممتاز و منحصر به فرد در جنوب شرق آسیا داده است.

۶- سیاست خارجی برونئی و نقش امریکا، انگلیس و کشورهای همسایه برونئی

به علت اشتراکات فرهنگی و تاریخی برونئی نزدیک‌ترین روابط را با کشورهای مالزی و اندونزی دارد و همچنین روابط مالی و اقتصادی نزدیکی نیز با سنگاپور دارد. برونئی در هفتم ژانویه ۱۹۸۴ میلادی یعنی یک هفته پس از استقلال کامل به عضویت اتحادیه «آسه ان» درآمد و در ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۴ میلادی به عنوان یک صد و پنجاهمین کشور عضو سازمان ملل پذیرفته شد. سلطان «حسن بولیگا» در جهت گسترش روابط با کشورهای اسلامی در سال ۱۹۸۴ میلادی سفری به مصر و اردن کرد.

در مجموع در سال ۱۹۸۵ میلادی ده نمایندگی خارجی در بندر «سری بگاوان» وجود داشته است و روابط با «امریکا» و «بریتانیا» نیز طبیعی می‌باشد و تنشی در روابط دوجانبه برونی با کشورهای مذکور به چشم نمی‌خورد.

۷- وضعیت روابط دوجانبه بین جمهوری اسلامی ایران و برونی قبل و پس از انقلاب اسلامی
نظر به اینکه تنها چند سال است که برونی به استقلال دست یافته و وارد صحنه بین‌المللی گردیده، روابط سیاسی پیشینی وجود نداشته است و در سال ۱۳۶۴ شمسی مدیر کل آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه «ایران» در رأس هیأتی از برونی دیدار داشت و با سفر «رئیس جمهور» در سال ۱۳۷۳ یادداشت‌های تفاهم زیادی بین ایران و برونی امضاء شد و روابط دیپلماتیک بین دو کشور آغاز شد.

سنگاپور

۱- وضعیت جغرافیایی و استراتژیک کشور سنگاپور

این کشور با ۵۸۱ کیلومتر مربع وسعت (صد و پنجاه و هفتمین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی که در جنوب شرقی قاره آسیا در کنار تنگه سنگاپور، در جنوب کشور مالزی و بین این کشور و جزیره سوماترا (اندونزی) واقع شده است.

۲- وضعیت مسلمین و نوع فعالیت آنها

«مسلمین» عمدتاً از «مالایی‌ها»، «هندی‌ها» و «پاکستانی‌ها» هستند که تعداد آنها به «۴۰۰ هزار نفر» بالغ می‌شود. گسترش اسلام در این منطقه عمدتاً توسط تجار «عرب و هندی» بوده است و در حال حاضر اداره امور مسلمانان با شورای «دینی مسلمین است» که تحت نظر وزارت «امور اجتماعی» است، این شورا وظیفه نظارت بر امور مذهبی - عبادی، حج و توسعه مساجد را به عهده دارد. شورای دینی مسلمانان از سال ۱۹۷۵ میلادی مسئولیت ترتیب سفر زائران خانه خدا را نیز به عهده دارد.

۳- نقش سنگاپور در توسعه اقتصادی خود و کشورهای منطقه و دستاوردهای اقتصادی

«سنگاپور» یکی از کشورهای مهم جنوب شرق آسیا از نظر «بازرگانی» و «بازار بورس» است. گرچه سنگاپور دارای منابع طبیعی محدودی است و بیشتر کالاهای خود را از خارج وارد می‌کند، اما مقام سوم را در تجارت جهانی دارد و می‌توان این کشور را «واسطه بین‌المللی» برای کلیه کالاهایی که در سراسر جهان تولید می‌گردد، دانست.

تولیدات صنعتی در سنگاپور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هر ساله مقادیر زیادی در بخش «صنعتی» سرمایه‌گذاری می‌شود. با توجه به این که $\frac{۲}{۳}$ محصولات صنعتی به خارج صادر می‌شود، با این حال اقتصاد آن کشور از رکود جهانی شدیداً آسیب پذیر خواهد بود. سنگاپور همچنین یک بندر «آزاد تجاری» است که کلیه کالاها را می‌توان بدون هیچ‌گونه محدودیتی به آنجا صادر کرد. به علت افزایش تولید ناخالص منی، توسعه صنعت و گسترش بازرگانی خارجی و توریسم، موجبات توسعه اقتصادی آن کشور فراهم آمده و موقعیت رقابتی برای پیشرفت هر چه بیشتر بوجود آمده است. سنگاپور از سال ۱۲۷۴ شمسی در زمره کشورهای پیشرفته محسوب می‌شود.

۴- چینی‌ها و سطح نفوذ آنها در سنگاپور و نقش حزب اقدام مردم

در سنگاپور ۳۱ درصد «چینی‌الاصل» هستند و بخش‌های مهم و مناصب کلیدی عملاً در انحصار «چینی‌هاست». دولت سنگاپور اهتمام خاصی برای حفظ و اشاعه فرهنگ و زبان چینی قائل است. دولت مذکور علی‌رغم تلاش برای حل مسائل نژادی، موفق به حل آن نشده و درگیری‌های نژادی همواره به‌عنوان یک معضل سیاسی اجتماعی همچنان موجودیت خود را حفظ کرده است.

در سال ۱۹۵۹ میلادی اولین انتخابات عمومی برای تشکیل یک دولت غیر وابسته در سنگاپور انجام شد و در آن یک حزب محلی به نام «حزب اقدام» به رهبری «لی کوان یو» مأمور تشکیل کابینه شد. از آن تاریخ تاکنون این حزب با در اختیار داشتن تمام امکانات و منابع دولت و استفاده از آنها به رقابت با سایر احزاب پرداخته و در کلیه انتخابات عمومی سال‌های ۱۹۶۳ تاکنون پیروز شده است.

۵- سیاست عمده فرهنگی سنگاپور و سیاست ویژه این کشور

به طور کلی دولت «سنگاپور» به «مسلمانان»، آزادی عمل زیادی نمی‌دهد. اغلب مسلمانان با تبعیض زیادی روبرو هستند. حزب حاکم [اقدام] به‌طور جدی می‌کوشد از سیاسی شدن اسلام و دیگر مذاهب جلوگیری کند. لذا در سنگاپور مذهب رسمی وجود ندارد و در قانون اساسی آزادی تمام مذاهب تضمین شده است. درباره سیاست فرهنگی دولت باید ذکر کرد که در جامعه چند ملیتی سنگاپور دولت برای ایجاد نوعی همگونی و سازگاری نژادی مذهبی اقدامات گسترده‌ای نظیر احداث مجتمع‌های بزرگ مسکونی و اسکان ملیت‌ها در کنار همدیگر داشته است.

تایلند

۱- وضعیت جغرافیایی و استراتژیکی تایلند

این کشور با ۵۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت (چهل و ششمین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی که در جنوب شرقی قاره آسیا در کنار خلیج «سیام» و دریای آندامان و در همسایگی کشورهای «برمه» در شمال غربی و «لائوس» در شمال و شمال شرقی، «مالزی» در جنوب و «کامبوج» در مشرق واقع شده است.

۲- وضعیت جنوب تایلند و مسلمین

اقوام «مالایی» در قسمت‌های جنوبی تایلند زندگی می‌کنند و «مسلمان» هستند. تعداد مسلمین تایلند حدود ۷۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود که در حدود ۱۰ درصد کل جمعیت آن کشور است. شغل مسلمانان جنوب تایلند عمدتاً کشت کائوچو یا ماهیگیری است و غالباً آموزش عمومی تایلندی را به‌عنوان یک امر تهاجمی بر فرهنگ خود تلقی می‌کنند. دولت نیز همراه با سیاست یکسان‌سازی فرهنگی با نهضت‌های جدایی طلب مسلمان نظیر «جنبش آزادی‌خواه پاتانی متحد» به شدت مبارزه می‌کند. مسلمانان تایلند عمدتاً چینی نژاد و پیرو مذهب «حنفی» می‌باشند.

۳- پیرامون شیخ احمد قمی و نقش علمای ایرانی در تایلند

«شیخ احمد قمی» یکی از «ایرانیان» مقیم تایلند بوده که اعضای خاندان و فرزندان وی هنوز در تایلند هستند. هر ساله مراسمی در مزار وی در شهر «آبوتیا» توسط تایلندی‌ها اعم از بودایی و مسلمان برگزار می‌شود. بسیاری از فرزندان وی در دولت‌های اخیر تایلند به مقامات بالا (نخست‌وزیری و وزارت خارجه)

رسیده‌اند.

۴- وضعیت شیعیان در بانکوک

در شهر بانکوک حدود «۴ هزار شیعه» زندگی می‌کنند. به‌طور کلی مردم تایلند نرم‌خو و صلح‌جو هستند و چنانچه تحریکات سیاسی بیگانه نباشد، پیروان ادیان و مذاهب مختلف با یکدیگر همواره در صلح و صفا زندگی می‌کنند و لذا این وضعیت درباره «شیعیان» نیز مصداق دارد.

۵- سازمان اطلاعات تایلند و نقش آن در کنترل مسلمانان آن کشور

عمدتاً نهضت‌های «جدایی طلب» در تایلند به‌شدت توسط دولت سرکوب می‌شوند. در واقع نوع برخورد منفی مقامات تایلندی با مسلمانان جنوب این کشور موجبات تحریک جامعه مسلمانان و نهضت‌های مبارز را فراهم آورده است. مسلمانان در حفظ سنن خود کوشا هستند و امروزه حکومت تایلند می‌کوشد تا ضمن پرهیز از هرگونه برخورد با آنها، عنداللزوم نظر آنها را جلب کند و در عین حال دولت با «جدایی طلبان» به شدت مبارزه می‌کند. در مجموع سیاست مذهبی حکومت معطوف به تقویت و حمایت و گسترش آیین «بودایی» است. با این توضیح واضح است که اهرم اجرایی جلب نظر مسلمانان برای پیشگیری از هرگونه شورش و ناراضایتی، سازمان «امنیتی» تایلند می‌باشد که به‌طور معمول بر مسلمانان کنترل و نظارت دارد.

۶- روابط دو جانبه ایران و تایلند

روابط بین ایران و تایلند به عصر «صفویه» باز می‌گردد. در ۱۳۳۵ شمسی سفیر «ایران» در «هند» به عنوان سفیر «اکردیته» در «تایلند» نیز معرفی شد و عهدنامه مودت دو کشور در ۱۳۴۵ شمسی به امضا رسید. روابط دو کشور تا سال ۱۳۶۴ شمسی در سطح کاردار باقی ماند. از ۱۳۶۲ شمسی به بعد روابط تجاری و بازرگانی دو جانبه و مبادلات تجاری به ۱۰ برابر میزان سابق رسید و در محاصره اقتصادی امریکا علیه ایران، نیز همواره تایلند برنج مورد نیاز کشور ما را تأمین کرده است. به‌طور کلی روابط دو جانبه ایران و تایلند بسیار «احترام‌آمیز و مطلوب» ارزیابی می‌شود.

فیلیپین

۱- وضعیت جغرافیایی و استراتژیک فیلیپین

۱- جزایر فیلیپین با ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت (شصت و پنجمین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در جنوب شرقی قاره آسیا، در اقیانوس آرام، در کناره شرقی دریای چین جنوبی، غربی دریای فیلیپین، شمال دریای سولو و سلبس، و در شمال شرقی جزیره برنئو و جنوب تایوان واقع شده است. این کشور دارای ۷۱۰۷ جزیره است که ۱۱ جزیره آن ۹۵ درصد مساحت آن را شامل می‌شوند.

۲- روابط دو جانبه ایران و فیلیپین در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

روابط سیاسی ایران و فیلیپین در سال ۱۳۴۲ شمسی رسماً آغاز گردید و کمی بعد دو کشور مبادرت به تأسیس نمایندگی‌های دیپلماتیک در پایتخت‌های یکدیگر کردند. تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی بیش از ۲۰۰۰ دانشجوی ایرانی در فیلیپین مشغول به تحصیل بودند و تعداد زیادی از اتباع فیلیپین نیز در ایران به کار اشتغال داشتند. پس از انقلاب، ایران به حمایت از جبهه آزادی‌بخش «مورو» با رژیم «مارکوس» مخالفت و صدور نفت به «فیلیپین» را متوقف کرد. رژیم «مارکوس» نیز در واکنش به ایجاد تضيیقاتی برای دانشجویان

ایرانی پرداخت. در جریان جنگ تحمیلی نیز «فیلیپین» موضع «بی طرفی» اتخاذ کرد. پس از سقوط «مارکوس» با کوشش‌های تازه‌ای که برای توسعه مناسبات سیاسی، اقتصادی و بازرگانی با سایر کشورهای جهان به عمل آمد، نمایندگی‌های دو کشور فعال شدند.

پس از آن تاریخ هیئت‌های فراوانی از فیلیپین دیدار کردند که در آن میان سفر وزیر «کشاورزی» در سال ۱۳۶۴، سفر یک هیئت بلند پایه وزارت خارجه در سال ۱۳۶۶ شمسی و سفر «رئیس جمهور» در سال ۱۳۷۴ شمسی قابل ذکر است. سفر ریاست جمهور مهمترین قدم در بسط روابط دو کشور محسوب می‌شود.

۳- ریشه مبارزات مسلمانان فیلیپین با دولت مرکزی این کشور

سرزمین مسلمانان «مورو» شامل ۳ منطقه بزرگ به نام‌های جزایر «مینداناو»، «باسیلان» و «مجمع‌الجزایر «سولو» و جزیره پالاوان» می‌باشد. وسعت کل سرزمین مسلمین مورو ۱۵۸۹۵ کیلومتر مربع است که حدود ۳۸ درصد خاک مجمع‌الجزایر فیلیپین را در بر می‌گیرد. این مسلمانان حدود ۷۰۰ سال است که به دین اسلام گرویده‌اند. در حال حاضر جمعیت مسلمان فیلیپین بالغ بر ۷ میلیون نفر است. فیلیپین دیر زمانی تحت حکومت مسلمانان قرار داشته است. با توجه به استعمار ۳۰۰ ساله «اسپانیا» بر آن سرزمین «مسیحیت» ترویج یافت و برای از بین بردن فرهنگ اسلامی و غارت منابع آن کشور کوشش‌هایی صورت گرفت. بعد از اسپانیا «امریکا» جایگزین استعمار شد و به سرکوب و خشونت علیه «موروها» مشغول شد. این سرکوب تا ۱۹۴۱ میلادی ادامه داشت. مبارزات مسلمانان از ۱۹۶۹ میلادی وارد مرحله نوینی شد، زیرا «مسلمانان» تصمیم گرفتند برای تداوم، مبارزه را به سوی چارچوب تشکیلاتی قوی سوق دهند و بدین صورت مسئله مسلمانان فیلیپین جهانی شد. رژیم «مارکوس» نیز به قتل عام و فشار و سرکوب گسترده مسلمانان پرداخت. تا سال ۱۹۷۷ میلادی جنگ بین مسلمانان و رژیم مارکوس به شدت ادامه داشته است، ولی به تدریج شدت آن اندکی رو به ضعف گذاشته است. غالب مقاومت‌های امروزه به صورت واکنش‌های موردی و مقطعی در قبال سیاست‌های دولت مرکزی قابل بررسی است.

۴- اصول اصلی توافق تریپولی

این توافق‌نامه در سال ۱۹۶۷، در مورد مسلمانان جنوب فیلیپین و در «تریپولی» لیبی به امضا رسید. بر اساس توافق‌نامه تریپولی «مارکوس» و جبهه آزادی‌بخش «مورو» در مورد مسائل زیر به توافق دست یافتند:

- ۱- اجرای آتش‌بس و قطع تمامی فعالیت‌های نظامی؛
- ۲- خود مختاری ۱۳ ایالت جنوبی فیلیپین که در ۴ جزیره مینداناو - باسیلان - سولو و پالاوان واقع می‌باشد.
- ۳- قبول حاکمیت ملی دولت فیلیپین (از لحاظ سیاست خارجی - امور دفاعی - امور منابع طبیعی، اختصاص دادن درصدی عادلانه از درآمدهای آن به دولت خودمختار)؛
- ۴- ایجاد یک شورای قانون‌گذاری برای تعیین امور مسلمانان؛
- ۵- قبول حاکمیت دولت خود مختار (از لحاظ سیستم قضائی، آموزش پرورش، سیستم اقتصادی و مالی و ساخت اداری و مدنی)؛
- ۶- شرکت دادن مسلمانان در دولت مرکزی.
- ۵- تغییرات سیاست‌های دولت مرکزی نسبت به مسلمانان - با توجه به کمک‌های خارجی که به آنان می‌شد - متعاقب کشتار وسیع مسلمانان توسط وزیر مارکوس در جنوب فیلیپین در فوریه ۱۹۷۴ میلادی مبارزات مسلمانان جنوب به ویژه در استان «سولو» شدت گرفت و تلفات بی‌شماری

بر دشمن وارد شد. در جریان این نبرد بیش از ۶۰ هزار «مسلمان» و ۴۰ هزار سرباز «فیلیپینی» کشته شدند که بالاخره با اعلام آتش بس از طرف دولت، جنگ متوقف شد. این شورش روزی یک میلیون دلار برای دولت مرکزی هزینه در برداشت. هزینه سنگین مالی همراه با خطر تحریم نفتی کشورهای «خاورمیانه» و حمایت «لیبی» از «مسلمانان» موجب شد تا سیاست‌های دولت «مارکوس» تغییر یابد و نهایتاً منجر به انعقاد توافق‌نامه «تریپولی» در سال ۱۹۷۶ میلادی شد.

۶- وضعیت عمومی مسلمانان جنوب فیلیپین با توجه به اقدامات «راموس»

مذاکرات صلح بین جبهه آزادی‌بخش «مورو» و دولت «فیلیپین» بعد از روی کار آمدن خانم «اکینو» آغاز گردید. «میسواری» بعد از انعقاد قرار داد صلح با دولت و به دنبال انتخابات در ۴ استان جنوبی به ریاست منطقه خود مختار رسید. وی در عین حال ریاست شورایی را نیز به عهده دارد که مسئول توسعه و صلح در جنوب فیلیپین می‌باشد، تا زمینه‌های لازم را برای انجام یک همه پرسی در ۱۴ استان و ۹ شهر جنوبی در سال ۱۹۹۸ میلادی فراهم آورد. «میسواری» از هم اکنون اقدامات گسترده‌ای را به منظور زدودن آثار جنگ و فقر در میندانائو شروع کرده است و برای موفقیت در کار نیاز به یک پشتوانه خوب مالی دارد. لذا میسواری در صدد است با پشتیبانی و مساعدت دولت مرکزی فیلیپین و امنیت موجود در منطقه و همچنین جذب سرمایه‌های خارجی به رنج و آلام مسلمانان جنوب التیام بخشد.

۷- موقعیت کنونی آقای نورمیسواری در ارتباط سایر گروه‌های مسلمان در جنوب فیلیپین

در حال حاضر رهبری جبهه آزادی‌بخش ملی مورو را «نورمیسواری» بر عهده دارد. وی در جریان انتخابات رئیس جمهوری در ۱۹۸۶ به خانم «اکینو» گفت در صورتی از وی حمایت می‌کند که حقوق از دست رفته سیاسی را به آنها باز گرداند. در همین رابطه با کنفرانس همبستگی «بنگسامورو» متشکل از نمایندگان مردم مسلمان جنوب فیلیپین در بیانیه خود گفته بود مذاکره تنها با رهبری واقعی جبهه به رهبری نورمیسواری میسر است و در این بیانیه از گروه «هاشم سلامت» و «دیماس پونداتو» خواسته شد که از جبهه ملی مورو به رهبری میسواری حمایت کنند. گرچه در ابتدا میسواری گرایش‌هاست چپ داشته است اما سابقه کمونیستی وی نیز نتوانسته محبوبیت او را خدشه‌دار سازد. به جز گروه‌های تبهکار و جناح «هاشم سلامت» بقیه مسلمانان از وی پشتیبانی می‌کنند.

۸- مواضع MILF و شخص «هاشم سلامت» در رابطه با صلح برقرار شده و سیاست‌های میسواری

رهبری «جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو» را «هاشم سلامت» بر عهده دارد. وی قبلاً قائم مقام میسواری بود که در ۱۹۷۹ میلادی از جبهه آزادی‌بخش مورو منشعب شد، «هاشم سلامت» مذاکراتی با «مارکوس» انجام داد و با کسب امتیازاتی از دولت در سال ۱۹۷۹ میلادی خود و پیروانش را تسلیم «مارکوس» کرد. لذا میسواری در مسیر اجرای برنامه توسعه علاوه بر مشکلات اقتصادی به لحاظ سیاسی نیز مخالفت‌هایی داشته است، و «هاشم سلامت» از مهم‌ترین مخالفان روند صلح است.

۹- موقعیت شیعه در فیلیپین و میزان تمایل جوانان مسلمان این کشور نسبت به انقلاب اسلامی

حدود ۱۰ درصد مردم فیلیپین «مسلمان» می‌باشند و اکثریت قریب به اتفاق آنها «سنی مذهب» و تعداد اندکی «شیعه» در این کشور وجود دارد و با توجه به میزان اندک «شیعیان» به طرز طبیعی تبلیغ و گسترش شیعه مستلزم اقدامات فرهنگی بسیار گسترده و سطح بالایی می‌باشد که بخش عمده آن چاپ کتاب و اقدامات دیگر فرهنگی می‌باشد.

۱۰- راه‌های نفوذ فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فیلیپین

البته باید اظهار داشت «اسلام» در فیلیپین سابقه دیرینه دارد و مبارزات مسلحانه مسلمانان «فیلیپینی» قبل از «انقلاب اسلامی ایران» نیز بسیار با شدت ادامه داشته است. اما توسعه روابط اقتصادی به دلیل آن‌که تحت کنترل دولتی می‌باشد احتمالاً دارای بار فرهنگی بسیار زیادی نخواهد بود گرچه تأثیرات اندک آن هم بی‌فایده نخواهد بود، اما از مهم‌ترین راه‌های نفوذ فرهنگی می‌توان به تأکید بر بخش آموزش به خصوص تحصیل جوانان فیلیپین در حوزه‌های علمی ایران و حمایت از آنها چه مادی یا معنوی و اعزام مبلغان مذهبی و پخش کتب، نشریات و نوارهای سمعی و بصری به زبان‌های گوناگون اشاره کرد. زیرا به نظر می‌رسد چه بسا هنگامی که دولت فیلیپین از مبادلات اقتصادی با ایران احساس خطر ایدئولوژیک نماید اقدام به کاهش روابط بنماید.

پیرامون اتحادیه «آ.سه. آن»

۱- «آ.سه. آن» و اهداف اولیه این سازمان

اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا «آ.سه. آن» در سال ۱۹۶۷ میلادی (۱۳۴۵ ه.ش)، با همکاری پنج کشور تایلند، مالزی، سنگاپور، اندونزی، فیلیپین و طی صدور اعلامیه «بانکوک» تشکیل شد؛ علت اصلی پیدایش این اتحادیه احساس خطر از گسترش «کمونیسم» بود. ولی در ابتدا کشورهای مؤسس به سبب دوری از بروز هرگونه اختلافات منطقه‌ای از اعلام هدف اولیه و اصلی این سازمان خودداری کردند و تأکیدشان این بود که پیمان‌شان صرفاً یک پیمان «اقتصادی» است. به مرور نیز زمان همکاری‌ها و همبستگی‌های اقتصادی چنان در این اتحادیه افزایش یافت که مسائل «امنیتی» را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داد.

۲- «آ.سه. آن» و توافقات اصلی این سازمان در سه دهه گذشته

اعضای این اتحادیه - که به علل امنیتی تشکیل شده بود - اکنون در سایه روابط اقتصادی مستحکم با اطمینان خاطر به حل و فصل مسائل امنیتی می‌پردازند. به عنوان مثال می‌توان به شکل‌گیری سازمان «اجلاس امنیتی آ.سه. آن» (ARF) - که دقیقاً به مسائل امنیتی می‌پردازد - اشاره کرد.

از دیگر توافقات اصلی این اتحادیه پیدایش سازمان «افتا» یا حوزه تجارت آزاد «آ. سه. آن» می‌باشد که در سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۰ ه.ش) در سنگاپور شکل گرفت و قرار است تا سال ۲۰۰۳ میلادی (۱۳۸۱ ه.ش) بحث تعرفه و گمرکی را میان خود حل کنند.

۳- وضعیت کلی اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه

وجود تفکر «همکاری سازنده» در بین اعضا، آئین کنفوسیوس و ویژگی‌های این آئین در کنار مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله عوامل مؤثر در توسعه کشورهای جنوب شرق آسیا و منطقه خاور دور بوده است. به طور کلی همه کشورهای عضو «آ. سه. آن» دارای رشد بسیار بالای اقتصادی هستند. به عنوان مثال سنگاپور که درآمد سرانه اش حدود ۲۴ هزار دلار در سال است، در اول ژانویه سال ۱۹۹۵ میلادی (دی ماه ۱۳۷۳) به عنوان کشور توسعه یافته شناخته شده است. سه کشور دیگر تایلند، مالزی و اندونزی که به هوپیمای آماده به پرواز معروف هستند در ده یا بیست سال آینده به وضعیت مشابه سنگاپور نائل می‌شوند.^۱

۱. علاوه بر پنج کشور مذکور، کشور سلطان نشین برونی (در سال ۱۹۸۴) و ویتنام (در سال ۱۹۹۵) به عضویت این اتحادیه درآمدند. سه کشور برمه (میانمار)، لائوس و کامبوج به عنوان اعضای ناظر در جلسات آ.سه. آن شرکت می‌کنند و تا یک سال آینده به این اتحادیه خواهند پیوست.

۴- جایگاه آ.سه. آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با تمام کشورهای عضو آ.سه. آن روابط دو جانبه بسیار مثبتی داشته است و روند این روابط دو جانبه در حال گسترش می باشد. سفرهای مکرر مقامات جمهوری اسلامی به فیلیپین، تایلند و اندونزی و بروئی در جهت بهبود بیشتر روابط صورت می گیرد، لذا بدیهی است نگرش جمهوری اسلامی ایران به اتحادیه آ.سه. آن نیز با توجه به این که این کشورها روابط مساوی و تفاهم آمیزی با ایران دارند، مثبت ارزیابی شود.